

مدار جهان بر آنست که آثار و اسناد را متلاشی و منهدم کند، ولی مردمان بیدار دل از انهدام آنها نه تنها جلوگیری می‌کنند بلکه، با قدرت و احتیاط تمام، آنها را منظم و مرتب می‌سازند و به نگهداری آنها مبادرت می‌ورزند و از آنها به موقع استفاده می‌کنند.

اسناد در خدمت تحقیقات تاریخی

نقش مهم کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

محسن صبا - قاسم صافی

تردید نیست که مجموعه مدارک و اسناد ملی در زمینه‌های مختلف موثق‌ترین عامل تشخیص هویت و شناسای قومیت و در حقیقت به مثابه شناسنامه یک ملت، و از موارد قاطع تعیین‌کننده آرمان و روش آن است که به عنوان گنجینه‌ای معنوی باید مورد توجه و حراست جدی و دقیق قرار گیرد. با توجه به اینکه در ایران نه در پایه شایسته بلکه در حد بسیار ابتدائی نیز بدین مورد توجهی نشده است، ضرورت این کار احساس می‌گردد و جاست که این نارسائی‌ها و بی‌توجهی‌ها از طرف مسئولین به این امر دست‌اندرکاران تحقیق و صاحب نظران فرهنگ ملی مورد گفتگو و بحث قرار گیرد. خاصه می‌دانیم که اهمیت اسناد و مدارک برای محقق در اغلب اوقات فزون‌تر از یک کتاب است و در حقیقت کتاب وقتی اهمیت پیدا می‌کند که با تکیه بر اسناد و مدارک مطمئن، تدوین یا بدو از اظهار نظرهای محض و شخصی مطلق بر حذرماند. وقتی اسناد در مجموعه‌ای منظم، تنظیم یابد، شای فرهنگ کشور و زیربنای توسعه آن را تشکیل می‌دهد و آئینه تمام‌نمای تاریخ کشور محسوب می‌گردد و هرگونه تسامح و سهل‌انگاری و بی‌توجهی در مورد آن به تاریخ و فرهنگ کشور لطمه می‌زند. حال، هر کشور در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و علمی و فرهنگی و ادبی آن به اسناد برجای‌مانده مرتبط است و حرکات آتی هر کشور نیز بر پایه مدارک و اسناد سابق آن استوار است. لذا توجه لازم به اسناد و مدارک و نظم خاص در امور بایگانی‌ها از گذشته به حال و از حال برای آینده، به‌طور حتم باید سرلوحه کارهای اساسی ملت و دولت قرار بگیرد.

ooo

نگارنده، با توجه به ارتباط خود درین مورد و شاهد عینی این نارسائی‌ها که در

ارتباط بامشغله خود رودرروی آن هستم و با اعتقاد و پافشاری درین امر که به هر طریق هر چه زودتر باید به وضع بی سروسامان جمع و ضبط مدارک و اسناد ملی همت گماشت ، لازم دیدم با آقای دکتر محسن صبا که درین مورد صاحب اطلاع هستند به گفتگو بنشینم ، آنچه می خوانید حاصل این گفتگو است .

قاسم صافی

— از چه موقع فکر مرکز اسناد بوجود آمد و چه کسانی در این فکر شرکت کردند؟
 عرض کنم بنده روزی به دیدار مرحوم دهخدا رفتم . در آن موقع محصل مدرسه علوم سیاسی تهران بودم . می دانید که مرحوم دهخدا ریاست مدرسه علوم سیاسی را داشتند و بعد هم ریاست دانشکده حقوق با ایشان بود . آن روز دیدم ایشان آماده رفتن به خارج از منزل هستند . گفتم که یکروز دیگر شرفیاب می شوم ، گفتند ، نه — خیلی میل داشتم با هم بنشینیم و صحبت بکنیم . بعد به من گفتند . شما آقای تقی زاده را دیده اید . گفتم خیر ، گفتند میل دارید ایشان را ببینید؟ گفتم البته . در آن سنین می دانید که شخص خیلی مایل است ، اشخاصی که طرف توجه هستند و آثارشان مورد نظر است به چشم ببیند (نخستین باری بود که مرحوم تقی زاده ، بعد از تبعید و مسافرت هائی که به اروپا کرده بودند ، به ایران برگشته بودند) . باری سوار در شبکه شدیم و به منزل آقای تقی زاده رفتیم . ایشان در خانه ای در انتهای امیریه منزل گرفته بودند و خانم آلمانی ایشان در این مسافرت همراهشان بودند . صحبت هادر جلسه ای که در اطاق پذیرائی ایشان تشکیل شد تا ساعت ۱۱ طول کشید . یکی از مسائلی که مرحوم تقی زاده در آن شب به میان آوردند و در اضرافش بحث می شد ، مسأله بایگانی بود که در آن زمان " آرشیو " می گفتند . ایشان اظهار نگرانی می کردند از اینکه در هیچ یک از ادارات ما به این مسأله مهم توجه نمی شود و اساس کار را در یک اداره خوب واقعا " بایگانی " می دانستند . خاطر می آید که این شعر را می خواندند .
 خانه از پای بست و پیران است
 خواجه در بند نقش ایوان است
 پیداست پای بست سازمان های اداری را بایگانی می دانستند . البته ایرادشان به این بود که ادارات در فکر میز و صندلی و قالی و قالیچه و چراغ هستند ولی در فکر بایگانی که اساس اداره است نیستند . اگر بنده عرض کنم که واقعا " از آن شب به فکر افتادم که بایستی اسناد و مدارک این مملکت تنظیم بشود قبول بفرمائید .

— آقای تقی زاده چند سال داشتند ؟

در آن موقع در حدود پنجاه سال داشتند .

آقای تقی زاده یک روز به بنده تلفن کردند و گفتند من میل داشتم با شما صحبت بکنم . فرار گذاشتیم شبی در حدود ساعت ۹ ، به سفارت بروم . اتفاقاً " در آن موقع قضایای استاویسکی در پاریس پیش آمده بود ایشان به من گفتند آقای داور (وزیر دادگستری وقت) تصمیم گرفته اند آرشیو وزارت عدلیه را مرتب بکنند و به من نامه ای نوشته بودند که در بین دانشجویانی که در اروپا هستند یک نفر را مأمور این کار بکنید که این رشته را در آنجا یاد بگیرد . من از تهران ، از آقای دهخدا پرسیدیم که یک نفر را به من معرفی کنند . چون ایشان رئیس دانشکده حقوق سیاسی هستند و با دانشجویان آشنائی دارند ، ایشان شمارا معرفی کرده اند و من میل دارم شما به مدرسه شارطه پاریس بروید و از برنامه آنجا اطلاع حاصل کنید . من به مدرسه شارطه رفتم و برنامه اش را دیدم و مذاکره کردم و مشغول مطالعه کتابداری و بایگانی شدم . البته در آنجا باز فکر تنظیم بایگانی ها در من تقویت شد . تحصیلات بنده در رشته حقوق و اقتصاد بود و در مدرسه سیاسی پاریس ، علوم مالیه را خوانده بودم و در دانشکده حقوق هم قسمت اقتصادیش را تمام کردم و بعد از اتمام تحصیل به ایران آمدم و در بانک ملی ایران مشغول کار شدم . نخستین کاری هم که به بنده رجوع شد تنظیم کتابخانه ای بود برای بانک ملی ایران و محله ای داشتند بنام محله بانک ملی ایران و می خواستند که فعالیت اساسی بانک ملی ایران در این محله منتشر شود ، محله ای که بنده ده سال سردبیرش بودم و اداره اش می کردم .

بنده معتقد بودم باید محتوای محله ، مقالاتی مبتنی بر اسناد و مدارک باشد و بدون داشتن یک کتابخانه اصلاً " غیر ممکن بود . به همین نظر بود که اقدام به توسعه کتابخانه بانک کردم و شروع کردم به خریداری کتابهایی راجع به ایران و هر مدرکی هم که به دست می آمد در آنجا ضبط می کردیم . آن موقع در حدود سال ۱۷ - ۱۳۱۶ بود که نحولی هم در ایران پیدا شده بود و تمام سازمان ها میل داشتند کتابخانه تاسیس بکنند و قدری به آرشیو و بایگانی توجه نمایند . بنده در بانک ملی ایران توصیه کردم که روش بایگانی خود را عوض کنند و کمیسیون هایی در آنجا تشکیل شد و بایگانی بانک به ترتیبی که بنده پیشنهاد کردم ، تنظیم شد .

— اظهار می دارید توجه خاص شما ، آغازگر تنظیم بایگانی ها به خصوص در بانک ملی

گردید، آیا در آموزش اداره کنندگان اقدامی صورت گرفت یا همچنان بی اطلاع از نحوه تنظیم اسناد و نا آشنا به مسائل تنظیم امور بایگانی، اسناد در اختیارشان قرار گرفت؟ هنگامی که در بانک تصمیم گرفته شد کلاس آموزش علوم مربوط به بانک و بانکداری برای کارمندان بانک تشکیل شود، پیشنهاد کردم بایگانی هم جزء علمی باشد که دانشجویان فرا بگیرند. لذا با تشکیل این درس در بانک ملی، نخستین درس بایگانی در ایران داده شد.

— می فرمائید نخستین آموزش بایگانی در ایران در بانک ملی صورت گرفت، مگر

در واحد های اجباری یا انتخابی دانشگاه تهران درس بایگانی قرار نداشت؟
بعد ها تصمیم گرفته شد که در بعضی از رشته های دانشگاه درس بایگانی باشد. چون در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران تدریس می کردم و مکرر در جلسات توصیه می کردم که به کتابخانه های دانشگاه توجه بشود و اصولی در اداره کتابخانه ها پیروی گردد، جناب دکتر سیاسی که ریاست دانشگاه را داشتند موافقت کردند. کتابی در خصوص اصول کتابداری تنظیم بشود. کتابی بنده نوشتم که در سلسله انتشارات دانشگاه چاپ شد. مسأله بایگانی هم که وابسته به کتابداری است، همیشه مطرح بود و کلاسی در دانشگاه تاسیس شد که شاید زیاد رسمیت نداشت. در هر صورت یک دوره سه ماهه برای تدریس کتابداری و بایگانی تاسیس گردید. البته نتیجه بخش نبود.

— به نظرتان کلاس های دوره کوتاه مدت در عمل مفید واقع می شود؟

بنده زیاد معتقد به کلاس های دوره کوتاه مدت نیستم. برای اینکه عده ای فقط اهل اصطلاح درست می کند. مطالبی به گوششان می خورد و تصور می کنند که موضوع را می دانند و آگاه هستند، در حالی که معانی الفاظ را درست درک نکرده اند و فایده ای نبرده اند. به هر حال چون تشکیل کلاس های دوره کوتاه مدت، قدمی بود برای اینکه رشته کتابداری و بایگانی در دانشگاه وارد و تدریس بشود، بنده قبول کردم و در سرروش تحقیق را که منبع کلیه علوم هست، پذیرفتم.

بعد ها کلاس سالیانه برای اینکار تاسیس شد. باز اینهم دنباله همان دوره های

کوتاه مدت بود.

— چرا در سال ۱۳۳۵ درس بایگانی به گروه باستان شناسی دانشگاه تهران واگذار شد؟

به دلیل اینکه بسیاری از اسناد به دست باستان شناسان می افتاد. قبلاً اگر سندی

به دست می‌آوردند به موزه‌های ارائه می‌دادند . بدین لحاظ بیشتر فکر کردند این درس در باستانشناسی باشد . البته باستانشناس بایستی قدری به اصول بایگانی و نحوه تنظیم اسناد و مدارک آشنا باشد و بداند با اسناد و مدارک چه رفتاری بکند . به هر حال این اقدامات مقدماتی بود برای اینکه در دانشگاه درس بایگانی تدریس شود .

— تصور می‌کنم آنچه که تا حال مطرح شد پیدایش درس بایگانی بخصوص در دانشگاه بود در خاج چگونه مورد توجه بود؟

در خارج دانشگاه ، مسأله بایگانی از مسائلی بود که در کمیسیون ملی یونسکو (احسن تربیتی ، علمی و فرهنگی ملل متحد) که می‌دانید مرکز آن در پاریس است گاهی مطرح می‌شود . در خاج ایران ، دو سازمان تشکیل شده است . یکی کنگره بین‌المللی بایگانی و یکی هم میزگرد بایگانی .

— نحوه کار این دو سازمان چگونه می‌باشد؟

کنگره در کشورهای مختلف هر دو سال یک مرتبه و میزگرد بایگانی به همین ترتیب در کشورهای مختلف تشکیل می‌شود چون یونسکو متوجه امر بایگانی بود و بنده عضویت یونسکو را برای کتابداری داشتم ، توصیه کردم که در تهران کمیته ای تشکیل دهند ، و یک کمیته بایگانی تشکیل شد . در کمیته پیشنهاد کردم شورای ملی بایگانی هانیز تشکیل شود . نظرم این بود که با تمام بایگانی‌های وزارتخانه‌ها و با بایگانی‌هایی که در تمام استانهای ایران است تماس داشته باشیم و به این دلیل اسمش را " شورای ملی بایگانی‌ها " گذاشته بودیم که در عین حال با کمیته ملی بایگانی که قسمتی از کمیسیون ملی یونسکو بود ، در رابطه باشد .

— افکار کمیته ملی بایگانی چه بود؟ و اعضایش که بودند؟ و چه کردند؟

اعضای کمیته ملی بایگانی عبارت بودند از .

آقایان . ایرج افشار ، مهدی بیانی ، کورس رحالی ، حسین شهشانی ، الهیار صالح فرهاد معتمد ، عبدالحسین مفتاح ، اصغر مهدوی و بنده . این کمیته ، مرتب و بدون تعطیل در کتابخانه ملی تشکیل می‌شد و درست سر ساعت شروع به کار می‌کردیم و سر ساعت معین نثر جلسه پایان می‌یافت .

— چه تصمیماتی در این جلسات گرفته می‌شد؟

یکی عضویت ایران در شورای بین‌المللی بایگانی که به تصویب رسید ، دیگر ایجاد

مرکز بایگانی ملی بود و چون محلی به نظرمان نمی‌رسید فکر کردیم که این مرکز در کتابخانه دانشگاه باشد و خوشبختانه مرکز بایگانی کتابخانه دانشگاه واقعا "به کوشش آقای ایرج افشار زود شروع به کار کرد. حقیقتا " بسیار بسیار مرتب است و تقریبا " می‌شود گفت مرکز حیلی غنی هم تشکیل شد. از نظر های دیگر کمیته، علاوه بر تدریس بایگانی، عکس برداری از مکاتبات و اسنادی بود که در کتابخانه های عمومی و موزه های ایران موجود است. لایحه قانونی بایگانی ملی را نیز تهیه کردیم و زحمت اساسی این کار را جناب مفتاح (کفیل وزارت امور خارجه) کشیدند. این لایحه قانونی را به وزارت فرهنگ فرستادیم که به ما فرستند.

— اما بنده می‌دانم که لایحه قانونی این کمیته، به صورت تصویب نامه در آمد
نه قانون چرا؟

به هر حال متن این لایحه را بنده دارم و خدمتتان تقدیم می‌کنم.
نظر دیگر کمیته این بود که از اسناد و مدارکی که در دست اشخاص است صورت برداری شود. مثلا " مرحوم شهشهرانی اسنادی داشتند و بسیاری از فرامین دوره صفوی و مقداری فرامین زندیه و قاجاریه را جمع آوری کرده بودند. جزوه ای نیز تحت نظر بنده چاپ شد که چگونه باید شرح اسناد را نوشت. زحمتش را یکی از دانشجویان بسیار مستعد دانشکده حقوق، آقای دکتر فرزانه پور، عهده دار شد. ایشان اسناد را در منزل آقای شهشهرانی صورت برداری کردند و بعد هم این فهرست چاپ شد. نظر دیگر این بود که عده ای از ایران برای تحقیق بایگانی به خارج بروند. شبی در یکی از جلسات میز گرد بایگانی از رئیس بایگانی ملی پاریس آقای برپان خواهش کردم از بورس هائی که در سازمان بایگانی بین المللی داده می‌شود، چهار بورس هم به ایران اختصاص بدهند و ایشان پذیرفتند. در نظر بود که از ایران چند نفری فرستاده شوند و بنده به آقای دکتر سیاسی هم نوشتم و از بانک ملی هم دو نفر برای تحصیل بایگانی فرستادیم که این نیز قدمی دیگر بود.

— آیا کمیته اعتباری در بودجه برای خریداری اسناد و مدارک پیشنهاد داده بود
تا بتواند اسناد دولتی را که در خانه شخصی صاحب منصبان بوده است، خریداری
و تنظیم نماید؟

بله — نظرمان این بود که اعتبار خاص در مرکز اسناد برای خرید اسناد و مدارک
گذاشته شود. دلیل آن این بود که متأسفانه به علت آنکه ما سازمان اداری قوی نداریم،

تمام مسئولین امور و کسانی که کارهایی در دستشان بود، اسناد و مدارک را به منزل خودشان می بردند و در (دیوان خانه) نگاهداری می کردند. در حال حاضر، سازمان اسناد ملی ایران مهترست اسناد علاء الدوله را منتشر کرده است و زحمتی کشیده است. این اسناد علاء الدوله را هر فردی که مطالعه می کند در می یابد که اغلب آن شاید ۹۵ در صدش باید در دست دولت می بود نه در دست وراثت مرحوم علاء الدوله. این است که تصمیم گرفته بودیم که اعتبار خاص در بودجه وزارت فرهنگ و وزارت امور خارجه و دانشگاه - گذاشته بشود تا این اسناد و مدارک را بتوانند بخرند و جمع آوری کنند.

از مسائل عمده مورد نظر بنده، اختصاص یافتن عمارتی به مرکز بایگانی و یا ایجاد ساختمان مرکز بایگانی در تهران بود. در خصوص این امر با انجمن آثار ملی مشغول مکاتبه شدم و به آقای حسین علاء که وزیر دربار و رئیس هیأت مؤسس انجمن آثار ملی بود - نامه ای نوشتم. ایشان در جواب بنده نوشتند "با ابراز امتنان و تأیید، وصول نامه مورخ ۱۸ خرداد ماه ۱۳۴۰ اشعار می دارد گزارش جنابعالی برای ملاحظه و تعقیب به هیأت مدیره انجمن آثار ملی فرستاده می شود. امیداریم با تشریک مساعی عالی و کمیته ملی بایگانی به هدف خودمان خواهیم رسید". اینکه نوشته بودند هدف خودمان برای این بود که با ایشان در مورد در نظر گرفتن حتمی ساختمانی برای بایگانی، صحبتی کرده بودم. بازنامه ای از طرف انجمن آثار ملی به امضاء علاء سپهبد آق اولی به بنده نوشته شد و چون زمینه را مساعد دیدم، ساختمان مجلس شورای ملی را برای محل بایگانی ملی در نظر گرفتیم و دلیلش این بود که در کنار مجلس شورای ملی ساختمانی برای مجلس شورای ملی می ساختند تا مجلس شورای ملی به آنجا منتقل بشود. نظر شورای انجمن آثار ملی هم بر این قرار گرفت که ساختمان قدیمی مجلس شورای ملی، مرکز بایگانی ملی ایران بشود. و نامه ای به امضای آقایان، علاء و سپهبد آق اولی به سردار فاخر حکمت که در آن موقع ریاست مجلس شورای ملی را داشتند، نوشته شد. متن این نامه را ممکن است بنده خدمتتان بدهم. ولی این عملی نشد، چون مجلس به ساختمان جدید منتقل نشد و بعد هم که در نظر گرفته شد کتابخانه پهلوی ساخته بشود، دیگر می توان انتظار داشت مرکز اسناد در کتابخانه پهلوی بوجود آید و از ساختمان جداگانه عجلالتا " صرف نظر کرد. در هر صورت همانطور که موزه آثار باستان داریم، داشتن ساختمانی برای مرکز اسناد ملی واقعا " لازم است. برای اینکه کلبه مدارک و اسنادی که باید نگهداری شود در آنجا با اصول علمی و تکنیک جدید محافظت

گردد و اسناد متمرکز بشود.

— شنیده ام که در کشورهای خارجی از اسناد ایران بسیار ضبط است و شما که ذوق و سعادت ملاحظه این اسناد را داشته اید، حتماً "دریافته اید که نحوه تنظیم این اسناد چگونه است و روابط تاریخی که بین این قبیل کشورها با ایران بوده و بر اسناد قویاً منعکس است چگونه جمع آوری و تنظیم شده است؟ آیا لازم است عکس‌هایی از این اسناد تهیه شود و از مدارک بسیار مهم میکروفیلم ساخته بشود و در ایران نگهداری گردد؟

بسیار بسیار به موقع خواهد بود که به این بایگانی‌هایی که در خارج است و به اسناد و مدارکی که مربوط به ایران جمع آوری کرده اند توجه داشته باشیم. در یکی از مسافرت‌هایی که برای شرکت در جلسات راجع به کتابداری یونسکو در پاریس ماء موریت داشتم مسافرتی به سوئد (استکهلم) کردم. در آنجا فکر کردم که بایگانی سوئد را ببینم. بایگانی آنجا مثل کتابخانه اش سلطنتی است. نامه‌ای به رئیس بایگانی سوئد نوشتم. چون سوئد مملکت کوچکی است و اگر می‌خواستم برای بایگانی ایران مدلی داشته باشیم، آنجا به نظر مناسب می‌رسید. رئیس بایگانی استکهلم بنده را به یکی از مدیران اداراتش معرفی کرد و آن شخص مرا در تمام قسمت‌ها گردش داد و توضیحاتی داد. موقعی که خواستم تشکر و خدا حافظی کنم رئیس بایگانی سوئد گفت که ما به مناسبت آمدن شما به شهرمان نمایشگاهی هم تنظیم کرده ایم. به تالار نسبتاً وسیعی رفتیم که دور تالار، جعبه آئینه بود و وسطش هم جعبه آئینه و تمام اسناد و مدارک راجع به ایران در آنجا به نمایش گذاشته شده بود یعنی تاریخ رابطه بین ایران و سوئد را. از عجایب، دقت و توجه آنها در نگهداری اسناد و مدارک بود. در سفر نامه شاردن خوانده بودم نامه‌هایی که از ایران در دوره صفویه به اروپا می‌رفته است، در یک لفاف زری یا ترمه گذاشته می‌شده است. خیلی میل داشتم که این لفاف‌ها را ببینم و اینکه نامه‌ها را چگونه درین لفاف‌ها می‌گذاشتند. چون در ایران نمی‌توانستم پیدا کنم. در آن نمایشگاه این لفاف‌ها را دیدم و متوجه شدم که تمام رابه اصل سند با یک نخ ابریشمی متصل کرده بودند. غرض لازمست این اسناد و مدارک را که راجع به ایران در کشورهای خارج است عکسبرداری بکنیم و تمام آنها را در ایران داشته باشیم. زمانی بنده این کار را شروع کردم و نامه‌هایی به کشورهای مختلف نوشتم. مثلاً چون در ورشو میزگرد بایگانی بود و در آنجا هم اسنادی بود که راجع به ایران به نمایش گذاشته شده بود، مقداری از اسناد را در ورشو عکسبرداری کردند و برای من فرستادند.

واقعا " به قدری در گمرک باعث زحمت شدند که می بایستی من کارم را رها کنم و به گمرک بروم و آنقدر توضیح بدهم که این سند دوره صفویه چیست، بعضی از کشورها هم جواب دادند که چون اسناد و مدارکمان زیاد است عکس برداری آنها مخارج هنگفتی برمی دارد. سده هم بودجه ای در اختیار نداشتم که بتوانم چنین کار بزرگی را انجام دهم، در بعضی موارد به من می نوشتند شخصا "مراجعه کنید تا اسناد و مدارک را با نظر خودتان انتخاب کنیم. به هر حال با توجه به سوابق تاریخی ای که داریم تصور می کنم نظم و ترتیبی که در آنجا هست در اینجا رعایت نشده است.

بنده وقتی برای تدریس تاریخ اقتصاد ایران به اقداماتی که در دوره عباس میرزا نایب السلطنه در باره فرستادن شاگرد به اروپا شده است، احتیاج داشتم (سوابق صنعتی کردن ایران)، لذا به بایگانی لندن رفتم. دیدیم تمام سوابق دانشجویان ایرانی که به انگلستان فرستاده شده بودند همگی ضبط بود و مرتب تنظیم شده بود. یعنی از روز ورودشان - کجا رفتند - کجا منزل دارند - چقدر پول می گیرند - در کدام مدرسه تحصیل می کنند یا کدام کارخانه کار می کنند و همینطور مکاتباتی که با ایران شده بود و جوابشان برگشته بود. خلاصه اگر کسی می خواست شرح زندگی دانشجویان را در مدت اقامتشان در انگلستان بنویسد، از روی آن اسناد و مدارک به خوبی می توانست. ملاحظه کنید که به چه نحوی بوده است. برای شما گفتم من یک نامه به بایگانی سوئد نوشتم و برای دو روز بعد از ارسال آن نامه، مرا برای دیدار بایگانی دعوت کردند و نمایشگاهی در ظرف دو روز تهیه کرده بودند. اینان که تنها با ایران رابطه ندارند، با تمام دنیا رابطه دارند. با این وجود اسناد را در زمان اندک و با سرعت در آورده بودند. سرعت و دقت به نحوی است که با کوتاهترین زمان می توانند اسناد و مدارک را به مراجعه کننده ارائه دهند.

می دانید کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران چندسالی است اقداماتی در خصوص جمع آوری اسناد به عمل آورده، و نام مرکز اسناد رانیز بر عنوان خود افزوده است، به نظر شما تا چه حد توانسته است به ایفای رسالت ملی و میهنی در این زمینه پرداخته باشد؟
با مجموعه هایی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه جمع آوری شده و توجهی که آقای ایرج افشار بدان داشته اند به حق باید کتابخانه مرکزی دانشگاه را یکی از مراکز اسناد مهم ایران شمرد.

- چکار بکنیم که دانشجویان آمادگی و رغبت برای مراجعه به اسناد پیدا بکنند

و کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، در این زمینه چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟
 مراجعه به اسناد در مراحل پیشرفته هر علمی پیش می‌آید. مثلاً "یک محصل تاریخ می‌داند به کدام کتاب تاریخ رجوع کند. اما وقتی خودش خواست رساله‌ای در محث تاریخ بنویسد آنوقت احتیاج مراجعه به اسناد را احساس می‌کند و چون عده این قبیل اشخاص کمتر هستند بالنتیجه مراجعه کنندگان به اسناد نیز کمتر است. اما حالا طوری اراساد و مدارک استفاده می‌کنند که به کمک محصلین می‌آیند. بنده این مورد را در بایگانی ملی پاریس که نمایشگاهی دائمی از اسناد و مدارک ادوار تاریخ فرانسه، ترتیب داده بودند، دیدم. مثلاً "به دوره لویی چهاردهم که می‌رسیم تصاویری از لوئی چهاردهم است و کتابهایی که در آن زمان نوشته شده است. مثلاً "در این بایگانی کاتالوگی از لباسهایی که ملکه می‌پوشیده است وجود دارد. در کاتالوگ قطعه‌ای از آن لباس الصاق شده است. این کاتالوگ را هر روز صبح به نظر ملکه می‌رسانند. ملکه ورق می‌زد و لباسش را انتخاب می‌کرده، آن لباس را می‌آوردند. این کاتالوگ حالا آنجا موجود است. این مطلب در ذهن من که نسبت به تاریخ فرانسه یک خارجی هستم باقی مانده است. البته در ذهن فرانسوی‌ها خیلی بهتر می‌ماند. اسناد و مدارک دیگر مثل نامه‌هایی که مولیر به دربار نوشته و پاسخ‌هایی که از دربار دریافت کرده است موجود است. و خیلی کمک می‌کند به اینکه تاریخ در ذهن محصل بماند، چون با اسناد و مدارک تواءم می‌شود. اگر در ایران ما بتوانیم چنین مدارکی را تهیه کنیم فوق‌العاده مفید است. یا اگر برای گذشته نتوانستیم تهیه کنیم لافل برای آینده اقدام کنیم. انسان باید از امری مطلع باشد تا اینکه بدان امر توحه پیدا بکند. به طور مثال در مورد نقاشی. برای کسی که از نقاشی اصلاً "اطلاع ندارد، تصاویر را عادی می‌بیند، جذبه‌ای ندارد. اما اگر به این هنر وارد شد، به نکات و دقایقش پی می‌برد، به مکتب‌های نقاشی آشنا شد، آنوقت نوعی دیگر به پرده نقاشی نگاه می‌کند. لذا اگر اثری به دستش بیفتد، قدر آن را می‌داند و به حانش بسته است.

تسا نیایی ز علمم بینایی دیدگان تسو کای شود پرشور
 چشم جاهل اگر چه می‌بیند چه تفاوت کند سد ردیده کور

شخص باید دیده روشن بین داشته باشد. آنوقت حلب می‌شود. قدر می‌داند.

حفظ می‌کند و به موقع از هر چیز استفاده می‌کند.

— ارزش حقوقی و تاریخی و علمی در اسناد و بایگانی چگونه تشخیص می‌گردد؟

پاسخ شما خیلی مفصل می‌شود - این بحث را من در گزارشی نوشته‌ام. متن این گزارش در اخبار دانشگاه تهران - شماره های ۱۵۰ - ۱۵۱ و ۱۵۲ منتشر شده است. ممکن است از جنابعالی خواهش کنم به آن گزارش مراجعه فرمائید.

- چون اسناد و مدارکی به صورت غیر تمرکز در مراکز و مؤسسات مختلف ضبط است، لازم نمی‌دانید که نسخه‌ای از با ارزش‌ترین آنها به صورت عکس برداری یا میکروفیلم تهیه گردد و به صورت متمرکز فراهم آید؟

به عقیده بنده هیچوقت در مورد بایگانی، مخصوصاً به تمرکز کامل و تام نبایستی نظر داشت و اسناد و مدارک هر محلی بایستی در محل خودش باقی بماند. این عمل ظرافتی دارد. در آن محل با یک نوع دید دیگری به آن اثر نگاه می‌شود. این اثر مال آنجاست، بومی است. بنده به آستان قدس رضوی مشرف شده بودم. رئیس کتابخانه لطفی کردند و مرا با خانم در آن کتابخانه گردش دادند. در آنجا یک دیوان حافظ به خط وصال شیرازی دیدم که وصال نذر کرده بود که دیوان حافظ را در آن شهر بنویسد و تقدیم به کتابخانه آستانه کند. حالا اگر آنرا بردارند و به مرکز خاصی در تهران بیاورند، صحیح نیست.

به همین دلیل نظرم این است که کلیه کتابهای خطی که در دنیا است و به زبان فارسی است میکروفیلمش تهیه بشود و حالا هم گمان می‌کنم قفسه میکروفیلمی که در کتابخانه دانشکده حقوق دستور دادم تهیه کنند، موجود باشد. آقای افشار بر این موضوع کمک فراوان کردند تا بسیاری میکروفیلم کتابهایی که مربوط به کتب علوم اقتصادی و سیاسی و حقوق بود آنجا جمع آوری شد. خلاصه نظر بنده این است که آنچه راجع به کتابها و اسناد ابران است لااقل عکسش را داشته باشیم.

- مطلعید که در برخی خانه‌ها اسنادی است که به علت ناآگاهی ممکن است همچون گذشته در گونی قرار گیرد و همراه زباله‌ها به بیرون ریخته شود، برای جلوگیری از این عمل، چکار باید کرد؟

باید عرض کنم، مخصوصاً "در مملکت ما از جهتی که فرمودید خیلی خیلی باید دقت کنیم. ما چیزی را نباید محالاً" از بین ببریم. برای اینکه این اسناد و مدارک که امروز به نظر ما بی اهمیت می‌آید بعد ها خیلی با اهمیت تلقی خواهد شد. خاطر می‌آید ما می‌خواستیم شاخص هزینه زندگانی را در بانک ملی ایران تنظیم کنیم. شاخص هزینه زندگانی بایستی روی مبنایی باشد. احتیاج داشتیم قدری به سوابق قیمت‌ها در ایران

آشنا بشویم . دنبال سیاهه هایی که در خانه ها از مخارج روز تهیه می کنند می گشتیم . (سابق می نوشتند گوشت چقدر ، نان چقدر و غیره) ، از روی آنها می توانستیم قیمت ها را به دست آوریم . باید با نهایت تأسف عرض کنم یک سیاهه خیلی به زحمت به دست می آید . چون در خانه ها نگاهداری نشده بود . گذشته از این بنده در کودکی هنگام دیداری در عید نوروز به چشم خود دیدم که کلفت خانه ای ، منقل را با یک مرقع باد می زد . بالاخرده این خطاهمیتی داشته که مرقعش کرده بودند . در نظر آن کلفت ارزش این مرقع از صد دینار کمتر بوده است . (بادبزنی آنوقت یکی صنار بود) . این عمل چه رامی رساند . این رامی رساند که ما در محافظت اشیاء دقت نداریم .

مرحوم تقی زاده در خصوص بایگانی و از بین بردن اسناد طنزی می گفتند که بنده هم متذکر می شوم . صحبت از این بود که بایگانی را کد سازمانی را از بین ببرند . مرحوم تقی زاده گفتند یک رونوشت از تمام اینها بردارید و آنوقت اصلش را دور بریزید .

— فکر نمی کنید که دولت ها در این مورد قصور کردند ؟

بله ، دولت های گذشته به اصل تمرکز بایگانی نظر نداشتند . منظورم قبل از مشروطیت است . در آن زمان اغلب مسئولین امور کارهای اداری را در منازل خود انجام می دادند . لهذا اسناد و مدارک امور نیز در منزل آنها باقی می ماند . هنوز هم از این نوع اسناد در بعضی از خانواده ها پیدا می شود . در زمان حیات خود آن شخص اسناد به دقت نگاهداری می شد اما بعد از او وراثت دیگر توجهی به آن اسناد نداشتند و ندارند .

— به نظرتان برای این نوع اسناد چه باید کرد ؟

شعری از ادیب الممالک به خاطر آمد در قصیده ای که مطلعش اینست .

خدا رحمت کند مرحوم حاجی میرزا آقاسی را بیخشد جای او بر خلق احزاب سیاسی را می گوید :

اونبورسیته فکولته در ایران نهد یارب کجا تعلیم کردند این گروه دیپلماسی را
آخر مسئول باید یاد بگیرد ، تعلیم بگیرد ، بفهمد ، درک کند تا کارش نتیجه بخش
باشد . البته هر کس خودش را لایق هرکاری می داند و هر کسی هم می گوید که من می توانم
این کار انجام دهم . مخصوصاً " در بعضی از امور مملکت داری و از این قبیل کار ها .
استادی در مدرسه علوم سیاسی سابق داشتیم که تاریخ یونان تدریس می کرد . به خاطر
می آید یک روز گفت (آقا ، مرتیکه یک میخ نمی تواند بگوید ، اما اگر به او بگوئید می خواهی

وکیل بشوی ، می‌گوید البته ، مگر آنها که وکیل شده اند چی بودند .

توجه داشته باشید که ما در حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ سال دنبال علم و معرفت و کمال هیچ رفتیم - آن موقعی که اروپا به طرف پیشرفت علمی می‌تاخت ما در خواب بودیم - خیلی غافل بودیم و غافل ماندیم و هنوز هم این غفلت به اشکال گوناگون در بین مردم در بعضی موارد دیده می‌شود .

- از گذشته که بگذریم ، در شرایط فعلی و زمان حاضر روی بایگانی ها واقعا "چه

تصمیمی بگیریم ؟

به نظر بنده بایستی درس روش تحقیق را در دانشکده ها تعلیم داد تا تمام دانشجویان به اهمیت بایگانی آشنا شوند و اساسا " این نظر غلط نسبت به بایگانی از بین برود و از کار افتاده ها را بر اداره بایگانی نگذارند . در کشور های خارج بایگانی فوق العاده اهمیت دارد . به محض اینکه مسائلی سیاسی پیش می‌آید فوراً اسناد و مدارکشان را می‌آورند و روی آن اسناد و مدارک بحث می‌کنند .

- حالا که به عین می‌بینیم بایگان از نظرهای شغلی و حقوقی و پستی و حتی در

نظر عرف در سطح اهمیت خطیرش توجه نمی‌شود ؟

در تاءبید گفتار تان اشاره می‌کنم جلسه‌ای که در خدمت مرحوم دهخدا و تقی زاده اتفاق افتاد ، در این جلسه آقای تقی زاده گفتند . هرکاری که اروپائیان می‌کنند ما برعکسش می‌کنیم . مثالی هم زدند که اروپائیان در نوشتن از چپ به طرف راست می‌آیند و ما از طرف راست به چپ می‌آئیم . اروپائیان وقتی می‌خواهند بشمارند ، دستشان را می‌بندند و از شصت شروع می‌کنند و برای شمردن ، انگشتان را باز می‌کنند . ما برعکس دستمان را باز می‌کنیم و از طرف انگشت کوچک می‌خوانیم و می‌گوئیم . یک - دو - سه ...

ما به بایگانی هم درست بر عکس اروپائیان نگاه می‌کنیم . در هر مملکتی قسمت اعظم اصلاحات ادارات روی همین امر بایگانی است . در ایران خیلی اتفاق افتاده است در دستگاههایی که پرونده ای مورد نیاز شده - نه برای ارباب رجوع ، بلکه برای خود دستگاه - پیدا نشده است . این پرونده ها برای تاریخ ما آئینه می‌شود و تاریخ ما روی پرونده ها نوشته می‌شود . به این جهت است که بایستی در محافظت این قبیل اشیاء دقت کافی داشته باشیم .

- گر چه قبلا " به موضوع معیار شناخت اسناد اشاره کردم ، ضروری می‌دانم که در

این زمینه بیشتر بحث کنیم و از شما خواهش کنم از آنانکه در شناخت اسناد بالنسبه حاد قند یاد کنید و اگر مقدور نیست لاقبل به ویژگی های شناسنده سند اشاره کنید ؟

معیار اسناد در نظر های مختلف فرق می کند . زمانی از نظر اقتصادی به سندی نگاه می کنند که یک برات است یافته طلب ، وقتی از نظر رسوم ملی - آداب - رسم الحط ، نظر می افکنیم ، می بینیم یک سند مالی با سیاق نوشته می شده است که حالا با رقم و عدد نوشته می شود ، وقتی از نظر اجتماعی به وضع مردم - روابط با یکدیگر - قول دادنشان ، نظر داریم ملاحظه می شود که سندش محضری نیست بلکه فقط بین دو نفر رد و بدل شده است . بنابراین اسناد را نمی توان برایش معیای در نظر گرفت . نظرها فرق می کند . قبلا " سندی برای طبقه ای مهم است ولی برای طبقه ای دیگر اهمیت ندارد .

مجموعه ای در کتابخانه ملی دیدم که در آن آلبومی تنظیم شده بود . آلبوم محتوی کاغذهایی بود که در دوره ناصرالدین شاه به این پادشاه نوشته شده است . ناصرالدین شاه در حاشیه هر نامه ای سطری نوشته بود . مثلا " دستوری داده است وامضائی دارد . این شخص تمام سند را دور ریخته بود و خط ناصرالدین شاه را قیچی کرده و داخل این آلبوم گذاشته بود . (ملاحظه شد - ناصرالدین شاه . کارش را راه بیان دازیسد - ناصرالدین شاه . به او چه مربوط - ناصرالدین شاه) ملاحظه می شود که فقط به خط ناصرالدین شاه اهمیت داده بود . در صورتی که اگر اصل این اسناد باقی مانده بود چه نکاتی را می شد از آنها استنباط کرد .

ممکن است خانواده هایی اسنادی در خانه خود پیدا کنند ولی نمی دانند به کجا مراجعه نمایند ؟

اینها بایستی به سازمان های دارای بایگانی مراجعه کنند

- کدام سازمان ها ؟

مرکز اسناد ملی - دانشگاه تهران

- اما ویژگی های شناسنده سند ؟

با توجه به اینکه آرشیو بیستیک یک علمی است باید وقتی سندی را شناسائی می کنند ، از حیث کاغذ ، از حیث خط و از حیث موضوع بررسی کنند . کتاب قابوسنامه به کتابخانه ملی ارائه دادند و در نظر بود مبلغ ۲۴ هزار تومان بفروشند . کتابخانه ملی اعتبار نداشت و مذاکره کرد و نشد و بالاخره این کتاب به خارج رفت و چون نتوانستند در یک کتابخانه

خریداری کنند، نصف کتاب به یک کتابخانه آمریکا و نصف دیگر به کتابخانه دیگر آمریکا فروخته شد. مرحوم مینوی که در هر چیز تردید می‌کرد در این هم شک کرده بود یعنی به یقین گفته بود که این کتاب ساختگی است. باز از مرحوم ثقی‌زاده نقل کنم. گفتند کتابی را که متخصصین آمریکائی با آن وسایلی که دارند نتوانند تشخیص بدهند که قدیمی است یا تازه، به همین قیمت می‌ارزد.

می‌خواهم نتیجه بگیرم که ما باید اسناد و مدارک را به قیمت مناسب بخریم و نگاهداری کنیم.

— چکار بکنیم که از مراکز حکومتی — وزارت امور خارجه — مراکز استانداری ایالات که در سابق دارالحکومه بوده، استفاده بکنیم؟
باید نامه نوشت و از آنها خواست.

— مرکز اسناد در حال حاضر وابسته به چه سازمانی است؟
تصور می‌کنم وابسته به نخست وزیری است.

— آیا تاکنون نسبت به از بین بردن اسناد ممنوعیت اعلام شده است؟

بله، در انتشارات مرکز اسناد ملی ایران آئین‌نامه ای دارد که بنده منتشر را داشتم. در آنجا فید شده است که حتی الامکان بایستی نسبت به از بین بردن اسناد در ایران خودداری کرد. عجالتاً "به هیچوجه دست به اسناد نزد تا یک‌عده متخصص و آگاه پیدا بکنیم که واقعا" از روی اطلاع و دقت کامل اسناد را انتخاب کنند.

— تصور نمی‌کنید که باید برای مردم اعلان کرد نوشته هائی که قدیمی است و احیاناً "در منزل دارند، به دور نریزند؟

فکر بسیار خوبی است و تصور می‌کنم این عمل مثل یک وظیفه ملی می‌ماند که مردم را متوجه بکنند. بنده خاطر می‌آید در همان موقع که کتابخانه بانک ملی ایران را سازمان می‌دادم، اعلانی در روزنامه‌ها کردم که بانک ملی ایران کتابهای راجع به ایران را خریداری می‌کند. مردم عجیب توجهی کردند و در نتیجه قیمت کتابهای راجع به ایران بالا رفت و اشخاص بعضی کتابها را می‌آوردند و خیلی خوب خریداری شد.

— مطلبی که ذکرش ضروری است و برای دانش پژوهان مورد مهم به شمار است آگاهی از شرایطی است که بایگان می‌تواند براساس آن، رونوشت رسمی سندی را در اختیار محقق قرار دهد.

راه حل این مسأله آسان است . باید آئین نامه‌ای مطابق آنچه در بایگانی های ملی کشور هائی که سازمان دقیق بایگانی دارند ، تهیه کرد و مطابق همان عمل کرد .

— می دانید سابقه تحقیقات در مورد اضافات و کسر بایگانی ها در ایران چه هست ؟

قانون یا آئین نامه ای غیر از آنچه گفتم به نظر نمی رسد و ادارات به صلاح دید خود قسمتی از بایگانی ها را که غیر مفید تشخیص می دهند از بین می برند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی